

علم حضوری فطری به خدا از منظر عقل و نقل

احمد ابوترابی^۱

چکیده

علم فطری انسان به خدا، تقریباً مورد اتفاق همه اندیشمندان مسلمان است؛ اما درباره اینکه اولاً مراد از فطری بودن علم به خدا، کدام معنا از معانی فطرت و کدام نوع از علم (حصولی یا حضوری) است؛ ثانیاً اگر علم حصولی فطری به خدا وجود دارد، به کدام معنا از علم حصولی فطری است؛ و ثالثاً اینکه ادعای فطری بودن علم به خدا را چگونه می‌توان اثبات کرد، اختلاف‌هایی وجود دارد.

برای اثبات فطری بودن علم به خدا، غالباً به یکی از راه‌های شهود، نقل و استقرای تاریخی استناد می‌شود. در این مقاله با هدف اثبات فطری بودن علم حضوری به خدا، نخست به تعیین معنای مورد نظر از فطری، تبیین انواع امور فطری، تبیین مفهوم علم حضوری فطری و معانی مختلف علم حصولی فطری به خدا پرداخته‌ایم، سپس درصد اثبات سه ادعا برآمده‌ایم: (۱) تنها دو دلیل اساسی برای اثبات علم فطری به خدا وجود دارد: الف) دلیل فلسفی، از راه ملاک علم حضوری، یعنی اتصال وجودی معلول به علت؛ ب) دلیل نقلی، از راه آیات شریفه قرآن کریم، به‌ویژه آیه میثاق و روایات مربوط به آنها. (۲) این دو دلیل، تنها علم حضوری فطری به خدا را اثبات می‌کنند. (۳) دلیلی عقلی بر اثبات علم حصولی فطری به خدا سراغ نداریم و آیه میثاق نیز بر علم حصولی به خدا دلالتی ندارد. راه‌های شهود و استقرای تاریخی نیز برای اثبات فطری بودن علم به خدا مفیدند؛ اما راه اول، راه همیشگی و همگانی نیست و راه دوم، مفید یقین نیست؛ البته این دو راه برای تأیید ادله دیگر و برای اقناع در شرایط خاص مفیدند.

واژگان کلیدی: خداشناسی، فطری، علم حضوری، علم حصولی، وجود ربطی، آیه میثاق، عالم ذر.

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 ahmad.abutorabi@gmail.com

وجوب سابق، لوازم، ادله و نقد آن

سیداحمد علائی^۱

چکیده

وجوب سابق که نزد فلاسفه اسلامی با قاعده «الشیء ما لم یجب لم یوجد» شناخته می‌شود، از اقسام «وجوب بالغیر» است. از نظر ایشان معلول تا ضرورت و وجوب نیابد، موجود نمی‌گردد. به بیان دیگر، با تمام شدن علت تامه، ابتدا وجود معلول واجب و سپس معلول، موجود می‌شود. از این رو این قاعده به «جبر فلسفی» مشهور است. متکلمان با انگیزه صیانت از اختیار فاعل، وجوب غیری را نفی کردند و به اولویت قایل شدند؛ به این بیان که با آمدن علت تامه، وجود معلول اولی می‌شود، لیکن به حد وجوب و ضرورت نمی‌رسد. آنان معتقد بودند اگر وجوب بیاید، دیگر اختیار معنایی ندارد. در حقیقت متکلمان نفی اختیار را لازمه پذیرش قاعده «الشیء ما لم یجب لم یوجد» دانسته‌اند. بعضی از اصولیان شیعه نیز با تفصیل میان فاعل مختار و موجب، مجرای این قاعده را تنها فاعل موجب دانسته، فاعل مختار را تخصصاً خارج از آن می‌دانند. از معاصران نیز استاد فیاضی از مخالفان سرسخت اصل ضرورت علی است و ادله‌ای علیه آن اقامه می‌کند. ما در این مقاله می‌کوشیم در تحقیقی حتی‌الامکان جامع، با تحلیل، بررسی و نقد ادله این قاعده به منشأ اعتقاد به آن دست یابیم.

واژگان کلیدی: وجوب سابق، ضرورت علی، وجوب بالغیر، جبر علی.

۱. کارشناس ارشد فلسفه اسلامی مجتمع آموزش عالی امام خمینی ۱ وابسته به جامعه المصطفی العالمیه ۹ و عضو گروه فلسفه دانشگاه مجازی المصطفی ۹
abdulkareem1381@gmail.com

رابطه ایمان و معرفت از منظر علامه مصباح‌یزدی

سیدمصطفی میرباباپور^۱

چکیده

درباره رابطه ایمان و معرفت دیدگاه‌های گوناگونی در میان اندیشمندان غربی و اسلامی مطرح شده است. آیت‌الله مصباح‌یزدی در این زمینه معتقد است ایمان اگرچه با معرفت متفاوت است، به معرفت نیاز دارد. شرط لازم ایمان به خدا نیز معرفت به اوست. معرفت خداوند به سه شکل مختلف قابل تصور است: ۱. معرفت فطری که معرفتی حضوری و شخصی و درعین حال اجمالی است. ۲. معرفت عقلی که معرفتی حصولی و کلی، ولی غایبانه است. ۳. معرفت شهودی که معرفتی حضوری، شخصی و روشن است. هرکدام از معرفت‌های عقلی و شهودی، میوه همان معرفت فطری، ولی مکمل و متمم آن هستند. معرفت فطری به دلیل ابهام و اجمالش به‌تنهایی نمی‌تواند زمینه‌ساز ایمان صحیح باشد. معرفت عقلی نیز به دلیل کلی‌بودن نمی‌تواند خدای مشخصی را برای ایمان معرفی کند. معرفت شهودی نیز چیزی جز معرفت فطری صیقل‌یافته نیست. از این‌رو، معرفت فطری باید از طریق معرفت عقلی یا شهودی به وضوح کافی برسد تا بتواند زمینه‌ساز ایمان باشد.

واژگان کلیدی: ایمان، عقل و ایمان، ایمان و معرفت، معرفت‌شناسی دین، الهیات طبیعی، فطرت، خداشناسی.

امکان و تبیین آغازمندی زمانی عالم با قرائتی جدید از نظریه حدوث دهری

محمدصادق کاویانی^۱، غلامرضا فیاضی^۲

چکیده

تبیین کیفیت حدوث عالم، از معضلات مهم مسائل فلسفی و کلامی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده و ایشان را در دو قطب متقابل قرار داده است. در نگرش رایج فلسفی ایشان، آغازمندی زمانی عالم استحاله ذاتی دارد؛ از این رو، زمان عالم خلقت از جانب ازل نامتناهی است. در مقابل، متکلمان با طرح حدوث زمانی و برخی فیلسوفان دیگر چون میرداماد با طرح حدوث دهری، آغازمندی زمانی عالم را ممکن دانسته و آن را تبیین کرده‌اند. در این مقاله ضمن طرح کلی مدعای فیلسوفان و متکلمان در این مسئله، این نتیجه به دست آمده که تبیین متکلمان و میرداماد از حدوث عالم نواقصی دارد؛ به طوری که نمی‌تواند پاسخ‌گوی دلیل فیلسوفان در استحاله ذاتی آغازمندی زمانی عالم باشد. این نوشتار با ایجاد اصلاحاتی در مبادی تصویری و تصدیقی نظریه حدوث دهری میرداماد و قرائتی جدید از آن، حدوث عالم را به گونه‌ای توصیف می‌کند که با آن، آغازمندی زمانی عالم، امکان و تبیین فلسفی صحیحی می‌یابد.

واژگان کلیدی: حدوث عالم، آغازمندی زمان، حدوث دهری، حدوث زمانی، میرداماد.

sadegh.kavyani@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مرکز تخصصی فلسفه

۲. استاد و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱

پژوهشی تطبیقی در حرکت و زمان در اندیشه

صدرالمتألهین و آلبرت آینشتاین

رحمان عُشریه^۱، محمدعلی اسماعیلی^۲، حامد عُشریه^۳

چکیده

در اندیشه ارسطو و پیروان او، زمان، مقدار حرکت فلک اطلس و مفهومی ماهوی است که در جدول مقولات ارسطویی قرار دارد و به واسطه حرکت، عارض بر اجسام می‌شود. صدرالمتألهین در پرتو حرکت جوهری از «زمان ماهوی» به «زمان وجودی» رسید. در اندیشه ایشان، زمان نه در شمار ماهیات عرضیه است و نه همچون ظرفی مستقل از جواهر مادی است که مظهر و فاعل مادی باشد؛ بلکه زمان مقوم ذاتی جوهر مادی است و از این رو، همه جواهر و پدیده‌های مادی، زمانی مخصوص به خود دارند. زمان، مقدار حرکت جوهری است و حرکت جوهری و زمان در خارج با یک وجود موجودند. آینشتاین در پرتو نظریه نسبیت، با توجه به ثبات سرعت نور، زمان را نسبی و به‌عنوان بعد چهارم اجسام، آن را در سنجش دقیق وقوع حوادث دخیل می‌داند. صدرالمتألهین و آینشتاین در «ممتد بودن زمان»، «نسبی بودن»، «اختصاص زمان هر چیز به خودش» و نیز «بعد چهارم بودن زمان» با یکدیگر اتفاق دارند؛ اما صدرالمتألهین با نگاه متافیزیکی به زمان نگریسته است؛ در حالی که آینشتاین با نگاه فیزیکی به آن می‌نگرد. نگاه فیزیکی، نگاهی آزمایش‌بردار و از تجربیات قابل استنتاج است؛ اما نگاه متافیزیکی عمدتاً آزمایش‌بردار نیست. آینشتاین در تفسیر زمان، ناظر به حرکت‌های عرضی به‌ویژه حرکت‌های مکانی است و نقش زمان را در همین محدوده تبیین می‌کند و در نگاه او با نبود حرکت عرضی، جایی برای زمان باقی نمی‌ماند؛ اما صدرالمتألهین افزون بر حرکت عرضی، به حرکت جوهری توجه داشته و زمان را مقدار حرکت جوهری می‌داند.

واژگان کلیدی: زمان، حرکت جوهری، نسبیت خاص، صدرالمتألهین، آینشتاین.

oshryeh@quran.ac.ir

mali.esm91@yahoo.com

hamed.oshryeh@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲. پژوهشگر سطح ۴ جامعه المصطفی العالمیه

۳. کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی

بررسی انتقادی تقریر عرف‌گرایانه از نظریه اخلاقی جان رالز

حسن محیطی اردکانی^۱

چکیده

همواره بحث بر سر منشأ ارزش اخلاقی یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث در میان فیلسوفان اخلاق بوده و سبب تقسیم مکاتب اخلاقی به واقع‌گرا و غیرواقع‌گرا گشته است. عرف‌گرایی ثبوتی، یکی از اقسام غیرواقع‌گرایی است. دایره شمول عرف‌گرایی ثبوتی، تمام مکاتبی را دربردارد که عرف را به‌عنوان منشأ ارزش اخلاقی معرفی می‌کنند. دیدگاه عدالت اجتماعی جان رالز یکی از دیدگاه‌های مهم در فلسفه اخلاق شمرده می‌شود که درباره عرف‌گرا بودن یا نبودن آن تردید وجود دارد. برخی بر واقع‌گرا بودن دیدگاه رالز تأکید دارند و عرف‌گرا بودن آن را نفی می‌کنند، ولی برخی دیگر بر غیرواقع بودن دیدگاه وی از نوع عرف‌گرایی اصرار می‌ورزند. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به برخی از دلالت‌های عرف‌گرایانه دیدگاه رالز اشاره شده، همچنین دیدگاه یادشده بنا بر احتمال عرف‌گرا بودن ارزیابی انتقادی شده است.

واژگان کلیدی: عرف، عرف‌گرایی، رالز، اخلاق، نظریه اخلاقی، پرده جهل، موازنه تأملی.

۱. دانش‌پژوه دکتری فلسفه اخلاق تطبیقی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱

hekmat313@yahoo.com

موضع اسلام در قبال گفت‌وگوی میان‌دینی؛ انحصارگرایی در عین شمول‌گرایی

رحیم دهقان^۱، عزالدین رضانزاد^۲، علی قاسمی^۳

چکیده

مسئله عمده در این پژوهش آن است که اسلام از کدام‌یک از رویکردهای انحصارگرایانه، شمول‌گرایانه و کثرت‌گرایانه استقبال کرده و با اتخاذ موضع خود، چه ظرفیتی را برای گفت‌وگو و تفاهم فراهم ساخته است؟ در پاسخ به این مسئله، پژوهش حاضر ضمن توجه به مبانی گفت‌وگوی دینی از منظر متون اسلامی، نشان داده است که انحصارگرایی به معنای خاص در اسلام معنایی ندارد، بلکه ضمن رهیافت شمول‌گرایانه معنا می‌یابد. اتخاذ این موضع که می‌توان از آن به «انحصارگرایی در عین شمول‌گرایی» تعبیر کرد، سبب ایجاد ظرفیت گسترده و زمینه مناسبی برای گفت‌وگو و تعامل با دیگر ادیان ابراهیمی شده است؛ چراکه این تقریر از انحصارگرایی، ضمن اذعان به حقانیت مطلق یک دین و حقانیت نسبی دیگر ادیان، اسلام را به‌عنوان مکمل و متمم آیین موسوی و عیسوی معرفی می‌کند. افزون بر این، توجه به حوزه اخلاق و نجات در رهیافت کثرت‌گرایانه نیز در غنا بخشیدن به ظرفیت گسترده اسلام برای گفت‌وگو، بی‌تأثیر نبوده و موضع اسلام را در قبال مسئله تعامل و گفت‌وگوی دینی تقویت کرده است. روش مقاله در مراجعه به آرا و آموزه‌ها، استنادی و در تبیین محتوا، توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: اسلام، گفت‌وگوی بین‌دینی، مبانی گفت‌وگو، انحصارگرایی، شمول‌گرایی، کثرت‌گرایی.

r.dehghan88@yahoo.com

rezanejad39@yahoo.com

ali.qasemi@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی